

## هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ روز تهاجم به حریم افغانستان، یا روزنه امید به مردم افغانستان در راستای ترقی و پیشرفت؟

درست 11 سال قبل از امروز بعد از واقعه 11 سپتمبر 2001 در هفتم ماه اکتوبر دولت امریکا بر رهبری جورج بوش بعد از مطالبات زیاد از طالبان در مورد تسلیم دهی رهبران القاعده جواب مثبت نگرفت و بالاخره به جهانیان اعلان کرد "که ما در جنگ با تروریسم هستیم"، و تصمیم اتخاذ نمود که بالای افغانستان حمله کند و رژیم طالبان را که توسط امریکا، انگلستان، عربستان و پاکستان سازماندهی و در سال 2006 بقدرت رسیده بودند، سقوط دهند.

جورج بوش رئیس جمهور امریکا با صدور اعلامیه به جهانیان و بلاخص متحدینش، اعلان نمود تا امریکا را در جنگ با تروریسم همراهی کنند. اضلاع متحده با این اعلامیه پشتیبانی جامعه جهانی بشمول روسیه، چین و حتی ایران آخندی را که از طالبان دل خوش نداشت حاصل نمود و حملات هوایی را اولاً با اشتراک دو متحدش (انگلستان و استرالیا) بالای افغانستان شروع کرد، که در ظرف مدت زمان محدود رژیم طالبان سقوط و امریکا با غلامان حلقه بگوش جبهه شمال (که چوکی ریاست جمهوری افغانستان را به عقب خود سرش و در بین کولاب تاجکستان و ایران در رفت و آمد و بیصبرانه منتظر چنین موقع بودند، تا دوباره قدرت سیاسی کشور را بدست بگیرند، همان بود که با افتخار زیاد در رکاب قوای امریکائی و بمباردمان طیارات بی-52) به کابل داخل شدند.

امریکا و سازمان حقوق بشر بنابر سوابق گذشته این جنگسالاران در دهه 90 لازم ندیدند تا آنها در رأس رهبری افغانستان قرار گیرند لهذا رهبری افغانستان را به شخص، مصلحتگرا، خوشیاور، و معامله گری چون حامد کرزی سپردند، که صرف بزبان انگلیسی بلدیت داشت، متعلق بقوم پشتون و مربوط ولایت قندهار بود بحیث رئیس جمهور انتقالی و مؤقت تعیین کردند، که بعد از مدتی بنابر خوش خدمتی ها و گوش فرمان بودنش مورد نوازش و توجه بیشتر جورج بوش رئیس جمهور امریکا قرار گرفت که بالاخره نامبرده در انتخابات ریاست جمهوری انتخاب شد.

شاغلی کرزی در زمان ریاست جمهوری جورج بوش روابط بسیار نیک و تنگاتنگی با آن کشور داشت و در آنزمان هیچگاه در رابطه به حملات شبانه، روزانه، تلفات ملکی، عقد قرارداد ها با اقارب اراکین دولت و غیره و غیره صحبت و یا شکایتی نکرد، و همین روابط خوب باعث شده بود تا جنابعالی، از کارهای خارجی ها در رأس اضلاع متحده امریکا، با دید بسیار نیک و خوشبینانه تعریف و تمجید بعمل بیاورد و روزی نشد که یکی ازین انتقادهای خود را که بالای دولت فعلی امریکا به رهبری بارک اوباما می نماید در آن وقت مطرح کند. تصاویر ذیل نمای از ماههای عسل روسای جمهور را بیان میکند.



ایکاش بانوی اول افغانستان هم مانند دوره های بابای ملت و شهید محمد داود خان شخص اول افغانستان را در این سفر ها همراهی میکرد. (جایش خالیست در کنار لوره بوش)

دپانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ



جناب کرزی در دو دوره ریاست جمهوری جورج بوش هیچگاه از وی نخواست که در قسمت تجهیز قوای مسلح افغانستان با اسلحه صقیل و قوای هوایی با طیارات جت و هلیکوپتر همکاری کند.

جناب کرزی در دو دوره ریاست جمهوری جورج بوش حتی به وی گوشزد نکرد که اگر قوای مسلح ما را تجهیز نمیکنید ما از روسیه، چین و یا هند اسلحه میخریم اما جالب است که **از کدام پول؟**

جناب کرزی در دو دوره ریاست جمهوری جورج بوش نگفت که فساد را شما خارجی ها باخود آوردید.

جناب کرزی در دو دوره ریاست جمهوری جورج بوش به وی نگفت که در انتخابات ما مداخله نکنید.

نمیدانم به این یکبارگی چه اتفاق افتاد که در این یکنیم سالیکه (حمل/1393) از ریاست جمهوری آقای کرزی باقی مانده، بجای اینکه از موجودیت جامعه بین المللی اظهار امتنان و از کمک های شان استفاده سودمند بنفع مردم و کشور نماید، خون وطن دوستی و ملیگرایی اش بجوش آمده و بالای امریکا و جامعه جهانی انگشت انتقاد میگذارد، و مانند بچه نازدانه مادر نازهای فطیری میکند، یا بعضاً بچه ترسانک می کند، که اصلاً در شأن یک رئیس جمهور و یا یک سیاستمدار نمی زیید، کرزی می خواهد ب مردم دنیا نشان دهد که جناب شان همیشه یک رئیس جمهور مستقل بوده و همیشه مستقلانه عمل کرده، اما با تأسف که کارنامه ها و خدمات جناب عالی در این دو دوره ریاست جمهوری بازگویی خوبی است برای همه.

در این دو دوره ریاست جمهوری آقای کرزی مسئولیت های خطیری در قبال ملت و وطن داشت که باید اداء می کرد، اما با تأسف که تهداب و تشکیلات دولت اش با همان بیگفایتی و اشخاص منفور و فرصت طلب گذاشته شد، و خودش هم بنا بر عدم کفایت کاری و اداره سالم نتوانست تا مفسدینی که بمنظور پول اندوزی و فساد بدورش حلقه زده اند اداره نماید، که جناب شان در بیانات خویش باین موضوع چندین بار اشاره کرده اند که در پهلوی ریاست جمهوری شان ریاست های موازی داخلی و خارجی دست بکار است و اجراءات میکنند. پس چاره چیست؟ فکر نکنم که چاره در تغییر و تبدیل چند وزیر و والی باشد که مانند دانه های شطرنج از یکخانه به خانه دیگر جای عوض میکنند، اما مردم بی دفاع و بی نوای ما در موجودیت این دستگاه فاسد رنج میکشند، قربانی میدهند و نا امیدانه به آینده خود مینگرند و نمیدانند که **دوست شان کیست؟ و کی را باید دشمن پنداشت؟**

جناب رئیس جمهور بر شما لازم بود و لازم است که از **منافع ملی** درین 12 سال تعریفی روشنی ب مردم میدادید، تا جلو سیل انتقادات مطبوعات و مبصرین سیاسی داخلی و خارجی گرفته میشد، و جای آن نمیمانند تا جناب شما با ایشان درگیر شوید و با دادن دستور بوزارت مطبوعات خود جلو آزادی بیان و قلم شانرا بگیرید. این وظیفه ایمانی و وجدانی هر ژورنالیست و در مجموع مطبوعات است که واقیعت ها را باید بدون کم و کاست، اما با یک اندازه مرچ و مصاله ب مردم انعکاس دهند، واقیعت هایی را که شما دولتمردان حاضر نیستید شمه اش را با ملت در میان بگذارید. جناب شما کار مطبوعات را ضد **منافع ملی** تعریف و اهل مطبوعات کشور را دنباله رو منابع غربی خطاب کردید، که این کار شما جفای بزرگ در حق این قشر روشن که هر لحظه حیات شان در معرض خطر است محسوب شده میتواند. اینک به چند موردی که **منافع ملی** واقعاً نقض شده، اشاره میکنم:

۱- آقای رئیس جمهور اگر **دقت کنید منافع ملی** کشور از همان بدو تشکیل دولت شما با سهیم ساختن تفنگداران و جنگسالاران که هیچگاه مورد قبول مردم افغانستان مخصوصاً اهالی کابل نبوده، مورد تخطی قرار گرفته، به تعقیب آن مذاکرات مخفی و پشت پرده شما با طالبان است که شما آنها را برادر خطاب میکنید و اراکین دولت بشمول معاونین درجه اول و درجه دوم تان بطور آشکارا ایشان را دشمنان ملت افغانستان لقب میدهند، ملت را دیوانه ساخته اید! نمیدانند حرف کی را قبول کنند، **آیا این خلاف منافع ملی محسوب نمیشود؟**

۲- **ملکیت های مردم اصیل شهر کابل توسط زورمندان و مامورین عالیرتبه شما منجمله معاونین درجه اول و درجه دوم، اقارب و قوماندانهای تنظیمی غصب گردیده، آیا این عمل خلاف منافع ملی محسوب نمیشود؟**

۳- پستهای دولتی به افراد و اشخاصی سپرده شده که خدا شاهد است هریک شان حتی 25% لیاقت و اهلیت آن پست ها را ندارند، آیا این کار خلاف منافع ملی محسوب نمیشود؟

۴- وکلایکه در شورای ملی نشسته اند شما را به خداوند (ج) قسم که نمایندگان اصیل مردم افغانستان هستند ویا زورمندان و واسطه داران که ناف شان به مراجع داخلی و یا خارجی وصل است، آیا این کار خلاف منافع ملی محسوب نمیشود؟

۵- پولهایکه برادران شما و برادران معاونین شما از کابل بانک برداشت و تا امروز انکار میکنند که چنین کاری صورت نگرفته و شما منعیث رئیس جمهور و رئیس 3 قوه حکومتی با وصف اینهمه رسوائی های داخلی و خارجی کلمه ای بزبان نیاوردید و هیچیک شانرا به کدام مرجع قضائی معرفی نکردید تا موضوع به مردم روشن شود، که دزد اصلی کی است، آیا این کار خلاف منافع ملی محسوب نمیشود؟

۶ - از دو سال به اینطرف توپخانه پاکستان و راکتهای کور پنجابیان مناطق شرقی و جنوب شرقی حریم ما را که حیثیت مادر را به هر افغان وطن دوست دارد زیر بمباردمان گرفته و هزاران هموطن بینوای ما را شهید، زخمی و از خانه و کاشانه شان بیجا ساخته، اما با اظهار تأسف که جناب شما در کنفرانس مطبوعاتی روز قبل موقف خود را روشن، و مکرراً ارائه نمودید که شما هیچگاه و هیچگاه بانطرف خط دیورند فیر نمی کنید زیرا آنها از شما و برادران شما هستند، جالب است که یک برادر به فرق فرق برادر خود هر روز بزند و برادرش حتی آهی نکشد و یا شکایتی به پدر نکند، آیا این عمل، خلاف منافع ملی و چشم پوشی آشکار از تجاوز پنجابیان پاکستانی به تمامیت ارضی ما محسوب نمیشود؟

۷- داشتن 120 مشاور+ عبدالهادی صافی مشاور در امور اجتماعی که به تاریخ 8/اکتوبر/2012 مقرر شد برای رئیس جمهور مبارک باشد اما با تأسف که بعضی از این مشاورین اعتراف میکنند که مدت دو سال میشود رئیس جمهور را ندیده اند و هیچ کدام مشوره برایش نداده اند، آیا پرداخت معاشات این تعداد مشاورین (که هیچ ضرورتی به وجود شان احساس نمیشود جز مصلحت گرایی، به کشوری چون افغانستان که دستش نزد جهان به گدائی دراز است) خلاف منافع ملی، خلاف مواد قانونی اساسی و سرانجام یک خساره بزرگ به بودجه کشور محسوب نمی شود؟

جناب رئیس جمهور با حفظ همه احترام به مقام ریاست جمهوری کشورم باید واضح بگویم که شما و اراکین دولت سهمی شما واقیعت ها را از مردم پنهان میکنید، در مصاحبه ها و اظهارات خود هیچگاه صادق نیستید و خدای خود را که یگروز نیست و نابود تان میکند حاضر نمی بینید، چهره های ناپاک و جاسوسان اجنبی اطراف تانرا محاصره کرده که بجای دفاع از منافع ملی کشور منافع کشورهای خارجی را بمنظور بقای نامشروع خویش ترجیح میدهند و علیرغم سوگندیکه به روز مقرر با دست ماندن بالای قرآن عظیم الشان بجا آورده اید ادامه، از آن جلوگیری نمی کنید.

جناب کرزی شما منعیث رئیس جمهور "انتخابی" مردم در اینموقع ایکه به خروج عساکر ایساف و ناتو اندک زمان باقی مانده، (بعوض تغییر نام پوهنخی تعلیم و تربیه به اسم برهان الدین ربانی، و انتصاب ولیعهد صلاح الدین بحیث رئیس شورای عالی صلح و غیره کارهای فرعی و بیمعنی که جز ضیاع وقت خود، مردم و ایجاد بینظمی ها مخصوصاً در بین جوانان، هیچ دردی را دوا نمیکند) وظایف و مسئولیتهای بزرگی در قبال مردم و مملکت دارید، که بهتر است در قدم اول به آنها رسیدگی نمایند، بطور مثال:

تطبیق قانون اساسی کشور در قدم اول بالای خود و بعداً به سلسله مراتب.  
جلوگیری از فساد گسترده و روزافزون مطابق فرمان شماره 45 و تعهداتیکه درمجلس شورا ب مردم سپردید.  
جلوگیری از حملات راکتی و توپخانه پاکستان و حملات فرهنگی و مذهبی ایران.  
جلوگیری از خروج سرسامآور دالر از کابل و ولایات سرحدی کشور.  
جلوگیری از خودسریها و خودمختاریهای والیان و قوماندانان.  
جلوگیری از ظلم و تعدی روزافزون بالای رعیت خاصاً نسل جوان و کودکان زیر سن که مورد تجاوزات گوناگون زورمندان و قوماندانان قرار میگیرند.  
جلوگیری از ازدواجهای اجباری دختران زیرسن که منجر به مرگ دختران معصوم و پاکدامن ما میگردد.  
جلوگیری از خشونت علیه زنان و دختران.  
جلوگیری از اعدام 3000 افغان مهاجر در ایران.  
ایجاد زمینه کار به اتباع کشور.  
ایجاد فضای دوستی و حسن اعتماد بالای یکدیگر.  
ایجاد روحیه وطن دوستی در بین جوانان با دادن امیدواری به آینده شان، البته با تأمین عدالت واقعی.  
ایجاد اعتماد در بین مردم بالای دولت، و کاهش فاصله ایجاد شده در بین مردم و دولت.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

حادثه یازدهم سپتمبر 2001 (شری برخیزد که بنفع ما باشد) واقعاً روزنه امید برای مردم افغانستان بود، اگر روشنائی این نور بسمت درست سوق داده میشد، زیرا در نتیجه این حادثه حاکمیت قرون اوسطائی طالبان (که همه دست بدعا بودیم تا معجزه بوقوع بپیوندد تا افغانستان از آن حالت تحجر بیرون شود) سقوط کرد، کمکهای واقعی جهان در رأس اضلاع متحده امریکا جهت بازسازی افغانستان توأم با میلیاردها دالر با درنظرداشت هدف های دراز مدت خود شان در منطقه آغاز گردید، که نباید از آن چشمپوشی کرد. اما با کمال تأسف که دولت فاسد کرزی متشکل از تکنوکراتهای خارج کشور (که محتاج پرداخت مورتگیج یا قسط های منازل خود بودند) و تنظیم های تشنه بقدرت داخل کشور (که انتظار چنین موقع و فرصتی را داشتند، تا با چورو چپاول دارائی های ملت برای خود قصرها آباد کنند، ملکیت ها در کشورهای خارج بخرند و تعداد ازواج خود را تکثیر دهند)، اهلیت و قابلیت این را نداشتند که ازین فرصت طلائی و کمک های بی مانند دنیا بشکل خردمندانه و با درنظرداشت تجارب کشور های جهان استفاده معقول برای بازسازی کشور بعمل میآوردند.

پایان

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنيت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) يادښت: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ